

تصحیح و هم جواب به محترم حمید که در بخش (دیدگاه ها) در مورد مقاله ام، ازدواج با (کزنت) تحریر داشتند

بعد از سلام نخست به عرض میرسانم اینکه در مقاله نشر شده تاریخ ۱۰ می ۲۰۱۰ که به اسم (فرشته سادات) بجای اسم بنده اشتباه از روی ایمیل آدرس (فرشته سعادت) بنشر سپرده شد، تماس بعدی جهت تصحیح آن بی نتیجه ماند، آرزو نداشتم تا مقاله ام به اسم مستعار به نشر برسد و بخصوص اینکه نام استرالیا در آن تذکر نرفته بود، تا مبادا خدا نخواست به اشخاصیکه به تخلص (سادات) معرفت دارند غلط فهمی صورت نگرفته باشد.

ثانیاً قبل از اینکه به جواب محترم حمید که در ستون دیدگاه ها تاریخ ۱۰ / ۰۵ / ۲۰۱۰ در مورد بنده سوالات طرح نموده بودند پردازم زیرا ایشان پرسیده بودند:

(میخواستم بدانم که خانم (فرشته سادات) در کدام رشته، به کدام درجه و در کجا تحصیل کرده اند و منابع طبی که در آن برای نوشتن مقاله یی تحت عنوان ازدواج با اقارب نزدیک (کزنت) از آنها استفاده کرده اند، کدام ها اند...؟)

متأسفانه دقیقاً منظور این برادر را با جمعی ازین همه سوالات شان درست فهمیده نتوانستم، زیرا اگر یکبار دیگر مقاله را به دقت کامل مطالعه فرمایند، من چیزیکه سبب پریشانی شان شده باشد در آن نمی بینم و از اینکه با اینترنت از لحاظ تخنیکي زياد بلديت ندارم تا از همان طریق ستون دیدگاه ها جواب ایشان را ارسال می داشتم. به هر حال اولتر از این برادر خود قلباً تشکر میکنم که با مطرح ساختن سوالات خود، فرصت خوبی برایم دست داد تا مختصراً خود را معرفی دارم، زیرا چندین مقاله من که از طریق همین پورتال به نشر رسیده است، ممکن اکثر خوانندگان مرا نشناخته و همچو سوالات نزد شان مطرح شده باشد.

به جواب شما چنین پاسخ میدهم که برای بنده رشته، درجه و جای تحصیل با اهمیت نیست تا همه بدانند و یا هم ندانند. چیزیکه برایم قابل اهمیت میباشد، مطالب برجسته با ارزش، قابل فهم و بدرد بخور درد های اجتماعی مردم ما می باشد، تا بوسیله آن بتوانیم مشکلات نابسامانی مردم رنجیده خود را حل و بر زخم های آنها مرحمی گذاشته باشیم و بلخصوص برای طبقه مظلوم (زن) البته این را یک وظیفه ایمانی و وجدانی خود دانسته و همواره تلاش نموده ام تا مطالب را انتخاب و جهت نشر ارسال بدارم، تا ازین طریق سبب خیر رسانیدن به دیگران شده بتوانم.

در اینجا از یک نویسنده توانا که از ذکر نام شان صرف نظر میکنم، چون شخصیت شناخته شده در کشور ما بوده کتابی در مورد افغانستان تحریر داشته اند که بسیار مشهور است، شخصی با بدبینی در موردش قضاوت نموده به طعنه اظهار داشته بود که ایشان تحصیلات عالی نداشته و از صنف دوازده لیسه استقلال به درجه بکلوریا فارغ شده اند... البته در جوابش چنین تحریر داشت:

درست است که من تحصیلات عالی ندارم و این به آن معنی نیست، کسانیکه روی مشکلات زندگی موفق به خواندن فاکولته نشده باشند، از علم و دانش کاملاً دور و بی بهره مانده، حق نوشتن کتاب و غیره را نمیداشته باشند، همچنان علاوه داشتند، درجه تحصیلات عالی که صرف در همان رشته بوده یعنی در پهلوی آن شخص تجربه و مطالعات نداشته باشد، چند سال فاکولته انسان را به جای نمیرساند. از اینکه وقت زیاد زندگی شانرا به مطالعه سپری نموده بودند تا از حاصل آن کتاب ارزشمند تاریخ افغانستان را به رشته تحریر درآورده باشند، رضایت کامل از زندگی خود داشتند.

در مورد خودم باید به عرض تان برسانم اینکه: با وجود مشکلات صحی با بسیار زحمت در سال ۲۰۰۷ کتابی تحت عنوان فرشته سعادت (زن) که زندگی زن را از (حوا تا زن امروز) احتوا میکند در ۳۶۵ صفحه با همان اندازه از دانش و اندوخته هاییکه با خود داشتم به رشته تحریر در آوردم که البته چون از نظر اقتصادی برایم گران تمام میشد و مصارف زیاد آنهم درکشور بیگانه، صرف به تعداد محدود موفق بچاپ آن گردیدم، اکثریت آنرا طور هدیه به روز جهانی زن هشتم مارچ ۲۰۰۸ به دوستان نزدیک و اشخاص روشنفکر و یکتعداد هم از اشخاصیکه بالای آنها حساب میکردم، چه در استرالیا، و هم اروپا و امریکا ارسال داشتم که بعضی با لطف خاص از زحمات بنده قدردانی، و متأسفانه بعضی هم حتی از رسیدن و جواب به آن خود را زحمت ندادند.

البته باید خاطر نشان نمود که از آغاز هجرت از کشور چه در پاکستان و چه هم در کشور استرالیا با وجود وظایف دشوار (زن خانه و مادر پنج طفل) بر علاوه از مطالعه کتب تاریخی و اجتماعی از چندین سال به اینسو در مورد دین مقدس (اسلام) و بعضی ادیان دیگر مطالعات خود را ادامه میدهم که خوشبختانه به موضوعاتی برمیخورم که نه تنها برای خودم، بلکه برای اکثریت مسلمانان قابل فهم و درک میباشد، که یکی هم موضوع (حرکت آفتاب و مهتاب) بود که در مقاله قبلی خود روی آن روشنی انداخته بودم و فعلاً هم در همین سایت موجود میباشد، زیرا از انتقادیکه در

مورد این آیه از قران و بدون ذکر نام سوره سالیان زیاد برای دریافت جواب منتظر بودم، خوشبختانه درین اواخر در سوره رحمن به این آیت پر معنی برخوردیم و برداشتی که کردم، اشاره به حرکت آفتاب و مهتاب گردیده است که امروز علم ساینس آنرا تایید میکند. از ترجمه، این آیت پیداست خداوند میفرماید: (ما آفتاب و مهتاب را بر شما جاری ساختیم).

اگر شیردهن نل را باز کنیم آب از آن جاری می‌گردد، یعنی حرکت می‌افتد. تحقیقات علمی نشان می‌دهد همه سیارت، خورشید و ماه در فضای لایتنهایی در حرکت بوده، به جز ذات پروردگار عالمیان که ثابت می‌باشد. پس بر ما مسلمانان لازم است تا به عمق معنی قرآن داخل شویم، تبعیض جنسیت و دیگر حساسیت‌ها را کنار گذاشته اینکه به کدام درجه تحصیل می‌داشته باشیم هرکس برابر به توان خود میتواند کاری انجام داده مصدر خدمت برای دین و اجتماع خود گردد. اگر قادر به کشف یکی از معجزات قرآن گردیم باید با دیگران شریک سازیم و بر یکدیگر زود نتازیم.

منظور برادر محترم حمید از المان ممکن روی تعیین سن ازدواج بوده باشد که به رد آن روی دلایل چند اشاره نموده بودم. و اگر یک حقیقت را می‌شنویم باید صبر داشته باشیم و زود در برابر زحمات دیگران خشمگین نشویم. باید به عرض شان برسایم که بدون اینکه تا به چشم چیز را ندیده و یا به گوش نشنیده باشم و از راه تجارب شخصی وارد قضیه نشوم هوایی چیزی نخواهم گفت چنانکه از دو خواهر مثال آورده بودم که یکی در سن ده و دیگری در سن سیزده عادت ماهانه شان شروع گردیده بود از زبان یک پروفیسر نسایی و ولادی درمورد آن دو خواهر که از دوستان نزدیک ما می‌باشند شنیده بودم، زیرا متخصص نسایی و ولادی که آندو خواهر را از نزدیک می‌شناخت در مورد خواهر کوچکتر که سه سال کوچکتر از خواهرش عادت دیده بود گفت چون یکنوع مریضی را که قبلاً گذشتانده است و جهت تداوی ادویه که به مصرف رسیده است و اکثر از دواها بالای سیستم اعصاب تأثیرات خود را بجا می‌گذارد که یک دلیل (تشوشت روانی) است که باعث فعال شدن هورمون‌ها در بدن می‌گردد. آیا این ظلم نیست یک دختر با ناراحتی‌های روانی که اکثراً خود به آن واقف نمی‌باشد، چون زودتر عادت دیده است پس زودتر به خانه شوهر برود.

البته عادت ماهانه به سنین پایین بیماری بشمار نمی‌رود، زیرا علل مختلفی سبب آن میشود که بصورت قاطع هیچ کس گفته نمیتواند علت اصلی در چه می‌باشد، که بعضاً میراثی هم شده میتواند. پس تعیین سن ازدواج بهیچوجه سن شروع عادت ماهانه شده نمیتواند، و هر که از آن جانبداری میکند ترس از خداوند ندارد. در هر امری باید از منطق پشتیبانی کرد، یعنی با ظالم دعوا و از مظلوم دفاع شود، تا مظلوم از چنگ ظالم نجات پیدا کند.

امید است به سوالات برادر از لابلای توضیحاتی که در بالا تذکر رفت، تا اندازه‌ای جواب شانرا گرفته باشند، با آنهم می‌خواهم طور فشرده علاوه نمایم که من در فاکولته (تعلیم و تربیه) نظر به علاقه خاص که به مسلک معلمی و رشته روانشناسی داشتم شامل گردیدم، اما نسبت به معاذیری که برایم عاید گردید ادامه داده نتوانستم، ولیکن بطورخصوصی به این رشته مطالعات خویش را ادامه میدادم.

در گذشته با بعضی از نشریه‌ها همکاری قلمی داشته از جمله در استرالیا با نشریه ای بنام (مسافر) مقالات خود را به چاپ رسانیده ام، تعداد محدودی به کانادا در نشریه (کاروان) در مجله آئینه و نشریه امید به چاپ رسیده است. نسبت تکلیف قلبی، فعلاً با ارسال یگان مقاله از طریق همین نشریه مردمی خود را مسرور نگه میدارم.

با تشکر از شما